

چون ممکن است کسانی از خوانندگان به جامع عباسی و به توضیح المسائل های برگرفته از آن دسترسی نداشته باشند، بد نیست در اینجا نمونه هایی چند از این قوانین ثابت و ابدی شرعی را آنطور که در جامع عباسی آمده است بخوانید:

« و اگر به چهار پائی دخول کند، حرام میشود گوشت آن حیوان و لازم است کشتن و سوزاندن آن حیوان، و اگر آن حیوان به حیوانات دیگر مشتبه شود و شناخته شدن او ممکن نباشد باید گله را به دو قسم کنند قرعه بزنند و این را چندان تکرار کنند که یکی بیش نماند، و آنگاه او را بکشند و پس بسوزانند.

- در باره خونبهای جهودان بین مجتهدین عظام اختلاف نظر است. بعضی بر آنند که خونبهای جهود معادل خونبهای ولدالزنا است، یعنی خونبهای مرد جهود هشتصد درهم شرعی و خونبهای زن جهود چهارصد درهم شرعی است.
- افراد غیر بالغ و زنانی که در جنگها اسیر میشوند به ملکیت کسانی در میابند که آنها را اسیر کرده اند و کشتن آنها جائز نیست ولی در مورد مردان بالغ که به اسارت در میابند امام اختیار دارد دستور کشتن آنها را صادر کند. در چنین صورتی باید دست و پای این افراد بریده شود و سپس آنها آنقدر در حالت خونریزی باقی بمانند تا بمیرند.
- میراث کسی که هیچیک از دو فرج مذکر یا مؤنث را نداشته باشد یا کسی که تنها یکی از دو مخرج پیش و پس را داشته باشد یا کسی که هیچکدام از آنها را نداشته باشد و آنچه بخورد قی کند، یا کسی که بول و غایط او هر دو از یک موضع بیرون آید همه اینها را به قرعه بیرون باید آورد، به اینطریق که بر پارچه کاغذی بنویسند عبدالله و برپارچه دیگر بنویسند امه الله و آنها را در سهام میهمه بگردانند و بعد آن سهام را مشوش سازند و بقرعه بیرون آورند، پس اگر عبدالله بیرون آید میراث پسر میگردد و اگر امه الله بیرون آید میراث دختر میگردد، و تحقیق میراث کسی که دو سر و دو بدن بر یک کمر داشته باشد باینطریق است که یکی از ایشان را بیدار کنند و اگر هردو به یکدفعه بیدار شوند میراث یک کس میبرند.
- و از جمله گناهان کبیره است شراب و هرچه مست کننده باشد مثل بنگ و غیره خوردن و به دیار کفار سفر کردن، و از فکر خدایتعالی غافل ماندن، و دیوث بودن، و زنان و مردان را به حرامی به یکدیگر رساندن، و گوشت مرده خوردن، و سرود مستان شنیدن، و مردان را حریر و طلا پوشیدن، و چیزهایی که سبب خنده شود گفتن، و با وجود علم و فضل لباس لشگریان پوشیدن، و در ماه رمضان در کعبه زنا کردن.
- و صد تازیانه حد مردی است که به زن صغیر یا دیوانه زنا کند، و دو زن که در زیر یک لحاف برهنه بخوابند، و مردی که در میان پاهای مردی دیگر منی خود را بریزد و زن نداشته باشد، و زنی که با زنی دیگر مساحقه کند، و کسی که دعوی پیغمبری کند، و کسی که مصحف را در نجاست اندازد.
- اما در خوابیدن شب پیش زنان، میانه مجتهدین خلاف است که آیا واجب است یا نه ولی نظر اکثریت این است که اگر مرد زیاده از یک زن دائمی نداشته باشد هر چهار شب یک شب نزد او بخوابد؛ و اگر دو زن داشته باشد دو شب پیش ایشان بخوابد و دو شب دیگر هر جا که خواهد، و اگر سه زن داشته باشد سه شب پیش ایشان بخوابد و یکشب هر جا که خواهد، و اگر چهار زن داشته باشد و همه ایشان دائمی باشند و هر شب پیش یکی از ایشان بخوابد و در شب خوابیدن میان زنان ابتدا به زنی کند که نام او به قرعه بیرون آید، و زن ناشزه یعنی زنی که از شوهر سر کشی کرده باشد و از اطاعت او بیرون رفته باشد در قسمت شب خوابیدن با زنان دیگر شریک نیست. اگر کدورتی میان زن و شوهر بهم رسد باید که شوهر نصیحت او کند و اگر نصیحت کردن فایده نکند در شب خوابیدن پشت خود را به جانب او کند و اگر آن نیز فایده نکند او را کتک بزند، اما به نوعی که بعد از آن میانه ایشان اصلاح توان کرد.

کاتدر این صندوق جز لعنت نبود مولوی

تا بدانند کافر و گبر و یهود

پس از ۱۴۰۰ سال نشسته شجاع الذین شفا
برگ ۱۰۴۳ - برگ ۱۰۴۵

در نخستین آئین توحیدی، خداوند چنان اهمیتی برای ختنه شدن آلت رجولیت پسران قوم یهود قایل میشود که در برابر قبول این سنت توسط ابراهیم به قوم او لقب "قوم برگزیده" میدهد و سرزمینی ششدانگ را سخاوتمندانه بدین قوم میبخشد و برای اینکه کمبو جا برای این قوم در پیش نیاید بدو اجازه میدهد که ساکنان

غیر یهودی این سرزمین اهدائی را کلا از دم تیغ بگذرانند، حتی به درخواست آنان خورشید را آنقدر در آسمان متوقف نگاه میدارد تا کار کشتار فلسطینیان به تمام و کمال به پایان برسد. با وجود این همین خداوند به پیامبر الولعزم بعدی که او نیز از میان همین قوم برگزیده شده است اجازه میدهد که این سنت ختنه بدنی را از بیخ و بن بیهوده شمارد و صدها میلیون مسیحی آینده جهان را ختنه نشده روانه بهشت کند. و باز همین خداوند تنها ششصد سال بعد پیروان سومین آئین توحیدی خود را بار دیگر به ختنه شدن همین آلت ها برای تضمین راه یابیشان به بهشت فرا میخواند.

پس از ۱۴۰۰ سال نوشته شجاع الدین شفا
برگ ۱۰۶۷ و ۱۰۶۸.

گرفتار علی مانده و بسو بکر!
ندانم تا «خدا» را کی پرستی؟
فریدالدین عطار در اسرار نامه

زندانی دلی پر زرق و پسر مکر
همه عمر اندرین محنت نشستی

برای پی ریزی جامعه ای بکوشیم که در آن حکومت بیشتر از یک قاتل عادی حق قاتل بودن نداشته باشد، و وقتیکه بصورت حیوانی درنده عمل کند، با خودش نیز چون حیوانی درنده عمل شود.

برای پی ریزی جامعه بکوشیم که در آن جای کشیش در کلیسای خودش باشد و جای دولت در مراکز کار خودش، نه حکومت در موعظه مذهب کشیشان دخالت کند و نه مذهب به بودجه و سیاست دولت کاری داشته باشد.

برای پی ریزی جامعه بکوشیم که در آن همچنانکه قرن گذشته ما قرن اعلام تساوی حقوق مردان بود، قرن حاضر ما قرن اعلام برابری کامل حقوق زنان با مردان باشد،

برای پی ریزی جامعه بکوشیم که در آن آموزش عمومی و رایگان، از دبستان گرفته تا کلژ دو فرانس، همه جا راه را به یکسان بر استعداد ها و آمادگی ها بگشاید. هر جا که فکری باشد کتابی نیز باشد. نه یک روستایی بی دبستان باشد نه یک شهری بی دبیرستان و نه یک شهرستان بی دانشگاه و همه اینها زیر نظر و مسئولیت حکومتی لائیک Laic حکومتی کاملاً لائیک Laic حکومتی منحصر لائیک Laic.

برای پی ریزی جامعه بکوشیم که در آن بلای ویرانگری بنام گرسنگی جای نداشته باشد. شما قانون گزاران، از من بشنوید که فقر آفت یک طبقه نیست، بلای همه جامعه است. رنج فقیر تنها رنج یک فقیر نیست ویرانی یک اجتماع است. احتضار طولانی فقیر است که مرگ حاد توانگر را به دنبال میآورد. فقر بدترین دشمن نظم و قانون است. فقر نیز، همانند جهل، شبی تاریک است که الزاما میباید سپیده ای بامدادی در پی داشته باشد.

ویکتور هوگو ، سخنرانی در مجمع قانون گذاری فرانسه
۱۵ ژانویه ۱۸۵۰

پس از ۱۴۰۰ سال نوشته شجاع الدین شفا

برگ آغازین کتاب اول - این کتاب به جوانان ایران بخصوص به جوانی که همیشه سنوال میکرد چرا بنام آن خدای خوب هست در کشور ما سیل خون براه انداخته اند تقدیم شده است.

شجاع الدین شفا، استاد مسلمی است که با جسارت فراوان در زمانی که کشور ما در آتش میسوزد و شمشیر برنده دین مکاران (نه دین مداران) بسوی همه کشیده شده ماموریتی را به عهده گرفته اند که میخواهد گل ها (جوانانی) را که در جهنم رونیده اند را قبل از شگفتن و پژمردن نجات بدهند. ولی افسوس که بسیاری از آنان در همان جهنم ناشکفته پژمرده شده اند. سیاه چالهای مواد مخدر و فحشا جوانان و نسل آینده ما را به قهقرا برده است. ح-ی